

تذکرہ تاریخی

میرزا فضل الله وزیر نظام نوری

با تصحیح و تحشیه
علی رضا نیک نژاد



تذکرہ تاریخی

تألیف

میرزا فضل اللہ وزیر نظام نوری

تصحیح و تحشیہ

علی رضا نیک نژاد

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه:	وزیر نظام، فضل الله بن اسدالله ۸۹-۱۲۰۹ق
عنوان و نام پدیدآور:	تذکره تاریخی
میرزا فضل الله وزیر نظام نوری	تصحیح و تحشیه، علیرضا نیک‌نژاد
مشخصات نشر:	نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری:	رقعی، ۲۶۲ص
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۱۰-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	یادداشت: کتابنامه، نمایه
موضوع: وزیر نظام، فضل الله بن اسدالله	۱۲۸۹-۱۲۰۹ق، یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
موضوع: وزیر نظام، فضل الله بن اسدالله	خاطرات
موضوع:	ایران -- تاریخ -- قاجاریان ۱۳۴۴-۱۱۹۳ق.
موضوع:	Iran, History, Qajars, 1779-1925
شناخته افزوده:	نیک‌نژاد، علیرضا، ۱۳۵۶، مصحح.
رده‌بندی کنگره:	الف ۱۳۹۶ آ ۴ و / ۱۳۹۱ DSR
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۴۵۰۹۲	شماره کتابشناسی: ۴۷۹۸۴۱۸



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

تذکره تاریخی

میرزا فضل الله وزیر نظام نوری

با تصحیح و تحشیه علی‌رضا نیک‌نژاد

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت:	نشر تاریخ ایران
طرح جلد: فریبا علایی	چاپ و صحافی: القدير
چاپ اول: ۱۳۹۶	تیراژ: ۱۰۰۰
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۱۰-۸	ISBN: 978-600-8687-10-8
قیمت:	۳۴۰۰۰ تومان
حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.	

تقدیم بہ
دکتر حسین مدنی

فهرست

مقدمه مصحح.....	۱۳
متن	۲۱
دیاچه.....	۲۳
مهاجرت به شیراز و اشتغال در دستگاه حسینعلی میرزا به سرکردگی میرزا	
زکی خان.....	۲۶
شیوع وبا در شیراز.....	۲۹
زلزله شیراز.....	۳۳
مأموریت به کهگیلویه برای جمع‌آوری مالیات.....	۳۶
بازگشت میرزا زکی خان به تهران.....	۳۷
جنگ ایران و روسیه و مأموریت به آذربایجان.....	۴۰
مأموریت به کرمانشاه.....	۴۱
فوت فتحعلی‌شاه و جلوس محمدشاه به تخت سلطنت.....	۴۳
جلوس محمدشاه به تخت سلطنت.....	۴۶
عزل قائم مقام فراهانی و انتصاب میرزا آقاسی به صدارت.....	۴۷
اشتغال وزیر نظام در وزارت عدلیه.....	۴۸

- ۴۹..... تبعید به کاشان
- ۵۰..... فتح هرات
- ۵۱..... مرگ محمدشاه
- ۵۲..... جلوس ناصرالدین شاه به پادشاهی
- ۵۹..... حرکت از کاشان و بازگشت به تهران
- ۵۹..... بازگشت به تهران و انتصاب به حکومت قم
- ۶۳..... انتصاب میرزا آقا خان نوری به نیابت صدرات و اعطای لقب اعتمادالدولگی
- ۶۵..... شورش حسن خان سالار
- ۶۷..... شورش بابیه
- ۷۰..... عزل میرزاتقی خان امیرکبیر از صدرات
- ۷۱..... انتصاب میرزا آقاخان نوری به صدرات عظمی
- ۷۵..... انتصاب میرزا کاظم خان و میرزادادخان نوری به وزارت مالیه و لشکر
- ۷۸..... انتصاب میرزا فضل الله به وزارت نظام آذربایجان
- ۷۹..... انتصاب میرزا فضل الله به متولی باشی گری آستان قدس و پیشکاری خراسان
- ۸۲..... عزل از پیشکاری خراسان و بازگشت به تهران
- ۸۵..... مأموریت به آذربایجان به همراه ادیب الملک برای تحصیل بقایای آذربایجان
- ۸۸..... انتخاب شاهزاده قاسم میرزا به ولیعهدی
- ۹۰..... عزل میرزا آقاخان نوری از صدرات عظمی
- ۹۳..... عزل میرزا فضل الله از وزارت نظام آذربایجان
- ۹۸..... تبعید میرزا آقاخان نوری از تهران به عراق عجم
- ۱۰۰..... سفر به عتبات
- ۱۰۶..... بازگشت به ایران
- ۱۱۰..... اعطای لقب امین الدوله به میرزا صادق قائم مقام نوری
- ۱۱۱..... الغای صدرات و انتصاب وزرای شش گانه
- ۱۲۴..... سفرها و شکارهای ناصرالدین شاه

۱۴۹	قصاید
۲۴۱	تصاویر
۲۴۷	نمایه
۲۵۹	منابع و مآخذ

مقدمه مصحح

تذکره نویسی و زندگی نامه نویسی در عصر قاجار در میان خاندان های دیوانی و شاهزادگان قاجاری رونق زیادی داشته است. این نوع نوشته ها یکی از منابع مهم تحقیقات تاریخی به شمار می روند؛ زیرا خصوصیات زندگی افراد برجسته جامعه، از اقشار و اصناف گوناگون، مانند ویژگی های اخلاقی، میزان معلومات و درجات علمی، مشاغل، زندگی سیاسی، مسافرت ها، هویت شخصی و خانوادگی و همچنین گزارش دورنمایی از زندگی فردی و اجتماعی رجال و حوادث استثنایی و ارزشمند زندگی آنها را به تصویر می کشد. یکی از تذکره های کمتر شناخته شده عصر قاجار، تذکره تاریخی میرزا فضل الله وزیر نظام نوری، پسر میرزا ابدالله وزیر لشکر نوریو بردار میرزا آقاخان نوری صدراعظم (اعتمادالدوله) است^۱. وزیر نظام نوری، دوران حکومت شاهان قاجار را از دوره فتحعلی شاه تا سال ۱۲۸۹ هـ. ق درک کرده است.

وزیر نظام، از مستوفیانی بود که به واسطه مقام پدرش میرزا اسدالله خان نوری که از همان سال های آغازین قاجاریه، در دستگاه لشکری آقا محمدخان قاجار حضور داشت، مورد توجه فتحعلی شاه قرار گرفت و به همراه عمویش میرزا زکی

۱. محمد جعفر خور موجی، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیو جم، ج ۱، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۱۷.

خان به شیراز رفت و در دستگاه فرمانفرمای فارس و به خدمات دیوانی در کهگیلویه رسید و در امور جمع‌آوری مالیات آن مناطق خدمت می‌کرد.^۱ بعد از کناره‌گیری پدرش از مشاغل دیوانی تا زمان برکناری مؤلف از مناصب دیوانی، تحت حمایت برادرش، به مناصب حکومتی؛ از جمله به پیشکاری ایالات، امارت دیوانخانه و حکومت قم رسید. در سال ۱۲۶۱ هـ. ق، در زمان حکومت محمدشاه به علت اختلاف با میرزا آقاسی به همراه برادرش میرزا آقاخان نوری به کاشان تبعید شد^۲ و همزمان با جلوس ناصرالدین‌شاه به تخت سلطنت، به تهران برگشتند، تا اینکه در سال ۱۲۶۸ هـ. ق، به وزارت نظام آذربایجان رسید^۳ و سپس به متولی باشی آستان قدس و پیشکاری امور خراسان منصوب شد و از آنجایی که بنا به گفته خودش تبحری در امور مالیه داشت، خدمات شایانی در سامان دادن درآمدهای آستان قدس انجام داد.^۴ سپس در سال ۱۲۷۲ هـ. ق از پیشکاری خراسان برکنار و به دربار فراخوانده شد.^۵ در سال ۱۲۷۳ هـ. ق، به علت برکناری و ناتوانی میرزا صادق نوری در وصول مالیات، به همراه عبدالعلی خان ادیب‌الملک برای رسیدگی و تحصیل بقایا به آذربایجان سفر کرد.^۶ پس از انجام مأموریت، دوباره به منصب وزارت نظام و غیر نظام آذربایجان گماشته شد. سرانجام پس از برکناری میرزا آقاخان صدراعظم نوری از صدارت در سال ۱۲۷۵ هـ. ق، از منصبش برکنار شد^۷ و پس از عزل تا زمان وفاتش در حدود هشتاد سالگی (۱۲۸۹

۱. جورج چرچیل، فرهنگ رجال قاجار، ترجمه و تألیف غلامحسین میرزاصالح، تهران، زرین، ۱۳۶۹، ص ۲۰۴.

۲. محمدحسن خان اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷، ص ۱۶۷۵.

۳. ایضاً، ص ۱۷۲۶.

۴. ایضاً، ص ۱۷۵۷ و ۱۷۷۰.

۵. روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج‌شنبه ۲۷ صفر توشقان ثیل سال ۱۲۷۲، نمره ۲۴۹.

۶. عبدالعلی ادیب‌الملک، دافع الغرور یا روزنامه سفر آذربایجان، به کوشش ایرج افشار، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹، صص ۱۲۱-۱۱۵/ تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۹۵.

۷. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، صدراتواریخ، به کوشش محمد مشیری، تهران روزبهان، ۱۳۴۹، صص ۲۴۱-۲۴۰.

ه. ق. ۱، هیچ شغل و منصبی به دست نیاورد؛ به همین سبب تا پایان عمر از این مسئله اظهار تأسف می‌کرد و در جای‌جای کتاب از ناسازگاری روزگار شکوه می‌کرد. با این وجود تنها کاری که در این زمان انجام می‌دهد، بنا به درخواست اطرافیان چنان‌که در اواخر تذکره اشاره می‌نماید، نوشتن این اثر است. در عین حال، آنچه از مشخصات مؤلف وجود دارد منحصر به اشارات موجود در روزنامه وقایع اتفاقیه، تاریخ منتظم ناصری، ناسخ‌التواریخ و منابع متفرقه دیگر است.

تاریخ تألیف کتاب

در قسمتی از کتاب، اشاره به تاریخ تألیف آن شده است: وی در این قسمت به برکناری میرزا آقاخان که هفت سال از آن واقعه می‌گذرد، اشاره می‌کند. با محاسبه برکناری برادرش که در سال ۱۲۷۵ ه. ق، اتفاق افتاد، تاریخ نگارش این اثر سال ۱۲۸۲ ه. ق است. علاوه بر آن، در اواخر کتاب می‌نویسد: «ولی بتاریخ حال شهر شعبان سنه ۱۲۸۰ هزار دویست و هشتاد ایشان در اصفهان و بنده در قم، لعل الله یُحَدِّثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ امراً».

ارزش علمی تذکره تاریخی

این کتاب یکی از منابع ارزشمند عصر فتح‌علی‌شاه به‌ویژه، اوضاع ایالات فارس و اوضاع دیوانسالاری و شرح حال صدور و وزرای اوایل عصر ناصری می‌باشد که تاکنون ناشناخته مانده است. از آنجایی که این اثر شرح حال نویسنده و سرگذشت برادرش، صدراعظم نوری و همچنین در مورد گوشه‌ای از وقایع دوره متقدم و اواسط عصر قاجار است، یکی از آثار مفید این عصر محسوب می‌شود. افزون بر آن، مطالب کتاب به دلیل موقعیت شغلی پدر و برادرش که صاحب‌منصب وزارت و صدارت بودند و خود مؤلف نیز به وقایع نزدیک بوده و یا در متن بسیاری از حوادث و رخدادها نقش و اثری داشته است، ارزشمند است.

همچنین، تشریح اوضاع سیاسی صدارت میرزا آقاسی و میرزا تقی خان فراهانی، دعوی باب و اوضاع مشهد، قم و فارس در عصر قاجار جالب و خواندنی است.

ادبیات کتاب

این اثر از لحاظ ادبی، به سبک مصنوع و متکلف و دنباله سبک میرزا مهدی خان استرآبادی، منشی و مورخ عصر افشاری، است. در این کتاب، احادیث، آیات قرآن و اشعار شعرای عرب و فارس، فراوان آمده است. کاربرد سبک پر تکلف، این کتاب را از سادگی زبان و روانی کلام خارج کرده است. همچنین از تاریخ و صف نیز استفاده کرده که بر تکلف آن افزوده است. علاوه بر آن، از تشبیهات، استعارات و سایر بلاغات ادبی نیز در کتاب وجود دارد.

وضع و ترتیب کتاب

این کتاب چنان که ملاحظه می شود فاقد فصل و عنوان است. مؤلف از ابتدا تا انتها و یک نفس به صورت به هم پیوسته خاطرات را به اختصار می آورد. بنابراین، عناوین کتاب توسط مصحح به تکمیل قیاسی به کتاب افزوده شده است.

طریق طرح مباحث کتاب

مؤلف کتاب، با دیباچه منشیانه و مصنوع سرگذشت و سرآغاز ورودش به کارهای دیوانی به ویژه امور مالی را که از زمان فتحعلی شاه و در دستگاه فرمانفرما در ایالات فارس بوده است، به تصویر می کشد. سپس سرگذشت بازگشت خاندان نوری از شیراز را بیان می کند. فوت فتحعلی شاه را - پادشاه مورد علاقه اش - با حسرت می آورد. در ادامه، خیلی مختصر به جلوس و حوادث هرات و میرزا آقاسی و تبعید به کاشان می پردازد. سپس وارد بخش اصلی کتاب، یعنی دوره صدارت میرزا آقاخان نوری و جریان برکناری و در به دری خاندان نوری ها از دستگاه دیوانی می شود. پس از آن شرحی از وزرای سته می آورد. مؤلف در پایان با آوردن اندرزنامه یا خصایل الملوک و سرگذشت حیوانات، همانند کلیله و دمنه و با ذکر علت تألیف کتاب، بخش تذکره را به پایان می رساند.

نسخه‌های مورد استفاده در تصحیح

با مراجعه به فهرست‌های نسخ خطی، تنها سه نسخه از آن به دست آمد، که به نظر می‌رسد انتساخ از نسخه مادر است. بنابراین، هر سه نسخه مورد مقابله قرار گرفته متعلق به منابع ذیل است: نسخه شماره ۵۹۳۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۱۰۲۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی و نسخه شماره ۸۹- ج ادبیات کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

الف- نسخه شماره ۵۹۳۳ مجلس شورای اسلامی

نسخه‌ایست ناقص که فقط شامل خاطرات میرزا فضل الله وزیر نظام می‌باشد و فاقد ۱۴ قصیده‌ای است که وزیر نظام در وقت گرفتاری در کاشان، نذر کرده بود، تا چنانچه از مهلکه نجات یابد، ۱۴ قصیده در مدح و مناقب ۱۲ امام و پیامبر و حضرت فاطمه بسراید. ولی این نسخه اقدم و اصح سه نسخه و نسخه اساس در این تصحیح بوده است. این نسخه با خطی زیبا و به قلم نسخ تحریر، حاوی ۹۰ ورق و هر صفحه (به استثنای آغاز که ۹ سطر و انجامه یک سطر) دارای ۱۴ سطر است. در آستر پایان جلد کتاب، یادداشتی وجود دارد که میرزا حسینقلی نوری، معروف به حاجی واشینگتن، پسر میرزا آقاخان نوری در تاریخ ۱۳۱۱ هـ. ق، در مورد کتاب و مؤلف و پدرش (میرزا آقاخان نوری) که سی سال است فوت کرده، نوشته است و همچنین آمده است مادرش در این تاریخ ۱۰ ساله و دختر عموی پدرش از میرزازی خان نوری و مجاور عتبات می‌باشد. از نکات بسیار جالب این یادداشت، اشاره میرزا حسینقلی در مورد وخامت اوضاع ایران است که گفته است روزگار ایران را تباه و سیاه می‌بینم. در آغاز این کتاب نوشته است: «این کتاب در فروردین ۱۳۲۲ در اصفهان تقدیم دوست دیرین معظم حضرت آقای دکتر قاسم غنی، نماینده محترم خراسان گردید- علی اصغر حکمت»

ب- نسخه شماره ۱۰۲۶ مجلس شورای اسلامی

این نسخه از دو نسخه دیگر کامل‌تر است و شامل خاطرات به انضمام ۱۴ قصیده می‌باشد. در چند جای این نسخه، افتادگی وجود دارد که شخص دیگر برخلاف

قلم نسخه، به خط نستعلیق تحریری و شکسته، افتادگی را پر می‌کند. از دیگر مشخصات این نسخه، این است که معنی کلمات در زیر آن بعداً اضافه شده است. این نسخه دارای ۱۳۶ ورق، هر صفحه (به استثنای آغاز و انجامه و صفحاتی که افتادگی دارد) دارای ۱۱ سطر است و سه صفحه از بخش شعر سفید می‌باشد. همچنین صفحات این نسخه دارای شماره است که به ظاهر بعد از نسخه‌برداری به آن اضافه شده است. این کتاب بر اساس مهر تملیک، اهدائی صادق طباطبایی به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است.

ج- نسخه شماره ۸۹- ج ادبیات کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

بر اساس رقم انجامه، این نسخه متعلق به آقای عین‌الملک بوده، که به تقاضای وی توسط شخصی به نام عبدالحسین رضایی از روی نسخه دکتر قاسم غنی که همان شماره ۵۹۳۳ مجلس شورای اسلامی انتساخ شده است. این نسخه با خط نستعلیق و حاوی ۶۲ ورق و هر صفحه آن منهای آغاز (۱۴ سطر) و انجام (۱۱ سطر) ۱۷ سطر است. یکی از معایب این نسخه، مشکل قرائت و افتادگی جوهر در بعضی جاهای آن است. لازم به ذکر است این نسخه از لحاظ تاریخ نگارش، بعد از دو نسخه مجلس شورای اسلامی، در خرداد سال ۱۳۲۲ ه. ش، انتساخ شده است.

چگونگی تصحیح

از نسخه‌های سه گانه، نسخه شماره ۵۹۳۳ مجلس شورای اسلامی اساس چاپ قرار گرفت و چنانچه مواردی در نسخه‌های غیر از آن، صحیح‌تر بود در پانویست بدان اشاره شد تا در صورت مراجعه محققان، وقوف بر آن سهل و آسان باشد. کلمات بین دو قلاب بر اساس تکمیل قیاسی به متن افزوده شد. کلمات پیوسته که به شیوه معمول عصر قاجار نوشته می‌شد، جدا نوشته شد و بعضی علایم سجاوندی به کتاب اضافه شد. در مواردی که کلمه فاقد نقطه یا «گ» به صورت «ک» آمده است نقطه‌گذاری و اصلاح شد. با این توضیح که در پانویست اشاره‌ای بدان نشده است.

فهرست اختصارات

مج ۵۹۳۳: مجلس شورای اسلامی نسخه شماره ۵۹۳۳

مج ۱۰۲۶: مجلس شورای اسلامی نسخه شماره ۱۰۲۶

تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نسخه شماره ۸۹- ج ادبیات

رک: رجوع کنید

نک: نگاه کنید

مصحح در پایان این مقدمه، از دکتر منصوره اتحادیه و خانم سعاد پیرا که موجب گردیدند، این نسخه از پس پرده فراموشی برون افتد، تشکر می‌کند. همچنین مصحح وظیفه خود می‌داند از راهنمایی‌های استاد علامه سید عبدالله انوار، دکتر محمدجواد مرادی نیا، دکتر مسعود روحانی، کاوه بیات و از مساعدت‌های استاد محسن محسنی، دکتر پیمان یزدی‌نژاد، جمشید ذکایی، ایرج (ابراهیم) صادقی، جهانگیر یوسفی، سید نصرالله حسینی و همکاران سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران علیرضا اختیاری، احمدعلی صدیق‌زاده و امیر محمدی تشکر و قدردانی نماید.

متن

بسم الله الرحمن الرحيم

[دیباچه]

الحمد لله المحمود، المالك الودود و مصور كل مولود و مآل كل مطرود
احمد^۱ و حمداً كما ورد الله، لا إله الا هو الا أحد، اصلح الاعمال و اهدى^۲
مسالك الحرام و الحلال، حمد^۳ داور دادار^۴ را روا که در همه عالم و سر
احکم محکم او در کل امور وارد و روا و درود مر احد و صمد و سرمد^۵
او را گوارا، غلم علم در ملک و طارم سماء^۶، كما راء در علو آورد و همه
مولود حمد او را حامل و حامد و محرک اعوام^۷ و دهور و ماه هور^۸ و

۱. خطبه بدون نقطه حضرت علی (ع): سپاس خدای را که فرمانروای ستوده، مالک محبوب، نقش‌بند هر مولود، پناهگاه رانده شده است.

۲. اصل در نسخه ۱۰۲۶ مع: اهدا.

۳. حمد می‌کنم او را به همان صورتی که وارد شده و نیست خدایی جز او که احد است و نیک و شایسته می‌سازد، اعمال و سائلک راه حلال و حرام را هدایت می‌کند.

۴. یکتا.

۵. پیوسته، جاوید، همیشه.

۶. آسمان.

۷. سال‌ها، زمان‌ها.

۸. آفتاب، خورشید.

موسس اساس هر علل و مصدر صدور هر عمل در دل صمّاء^۱ لاله و گل کارد و در سطح صحراء لعل و گوهر آرد، درگاه مسعود او محل و محط^۲ مرام و مراد دِه آمال و کام و همواره در کوس روؤس^۳ راج^۴ روح و راج مالامال دارد و ادام کام را در عرصه حصول و وصول ما راه دهد، لا اله الا الله و مواد را طواع^۵ و مصالح امور آورده کالماء الوارد علی الورد^۶ در ما احکام سازی دارد و سلسله آدم را در سلسله سوّاه درآورد و سلسال حال طوع^۷ را در صلصال حماء^۸ هم عهد کرده و عَلمَ آدمَ الاسماء کَلْها^۹ کلام او وکلّ در کل کارها روا درگه کرد و مُرر و اوسع در امور کارها را سهل آورد. علی الأسود و الاحمر رحم در کار و داد عدل و وداد داد و مهر مهر در دل امم و مهره کرم در عِصم^{۱۰} ولد آدم که آرد هلد، مگر "احد الصمّاء والّسلام علی محمّد المحمود مالک اللّوا و سالک صراط الهدی"^{۱۱} ارسله [محمّد] علماً للاسلام و اماماً للحکام و مسدوداً للرّعاع و معطلاً احکام الودّ و السّواع"^{۱۲} و اله الکرام الحلال الامور الذّهور و العّمال لاصلاح الورد الدار السّرور هم اسلکوا مسالک الله و سمعوا و اسمعوا امره الوالاه صلّوا

۱. نام نوایی از موسیقی، نام شعبه‌ای است از مقام نوا که آن نام نغمه‌ای است از موسیقی و به صورت نوزخوان آید.
۲. منزل، محل فرود آمدن.
۳. کاسه سر، طبل ریاست نیز معنی می‌دهد.
۴. شادمانی، نشاط، می، باده، شراب.
۵. موافق و همراه.
۶. همچون آبی که وارد می‌شود بر جایگاهش.
۷. به معنای فرمانبرداری، طوع و رغبت به معنای میل و اراده خویش.
۸. اشاره به آیه ۲۶/ سوره حجر: "و لقد خلقنا الانسان من صلصال من حماء مسنون." ما آدمی را از گلی خشک، از لجن بوی‌ناک آفریدیم.
۹. آیه ۳۱/ سوره بقره: و آموخت خداکل اسم‌ها را به آدم.
۱۰. بسیاری، کثرت، اجتماع، عام و کامل از هر چیزی.
۱۱. در نسخه ۱۰۲۶: امج: الّهدا.
۱۲. محمد(ص) را بفرستاد و به عنوان شاخص برای اسلام و پیشوایی فرمانروایان استقامت‌کننده در برابر جاهلان و از بین برنده احکام تباهی.

الأرحام و رعوها و عاصوا الاهواء و اردعوها^۱ و "لمدحهم وارد سوددهم اصلاحهم سرهم و روعهم اهواءهم و الطمّاح و حصّل المدح لهم علمهم ما مهرّوا العور مهّور الصّحاح و بعد لما وردنا على الماء و روينا و سقينا سرعنا و شرعنا"^۲ فى تحرير هذا المقال و ایراد مجمل من الاحوال فنقول: "من المهد الى هذا العهد" خامه وقایع نگار می خواهد که نامه نگار شود و درارى^۳ حالات را به سمط^۴ مقالات کشد و حادثات واقعه را در معرض جلوه ظهور و بروز آورد و کوکب دانش را به یمن دانش به درجه استعلاء^۵ آورد و آفتاب رخشنده آرایش را مشاطه^۶ آرایش دلها کند. مرا حالتی نه که رسوم قدیم را بیان و در معرض عرض صاحبان رساند. امروز موقع آن نیست که افاضل را از اراذل و حکیم را از جاهل و اصیل از خامل^۷ باز شناسد. سخن ارباب هنر در این عهد در عقده شجن^۸ و در سجن^۹ دهان مقید است؛ مع هذا به قدری مقدور که محذوری در آن نباشد حالات گذشته را در سلک تحریر و رشته تسطیر می آورد که از زمان شباب و صغر سن صقر^{۱۰} همت را به اوج سماوات و کمالات در پرواز

۱. خداوند او را به درجه اعلائی رساند و در روحش سلامت را به امانت نهاد و خاندان گرامی اش را مورد مرحمت قرار داد^۱ تا زمانی که خورشید بدرخشد و ماه بتابد و گرگ جست و خیز نماید و صدای لیبیک گفتن حجاج شنیده شود. عمل کنید تا خداوند رعایت حال شما را بکند و کارها را اصلاح نماید و راههای حلال را بپیمایید و حرام را ترک کرده و کفاف بگذارید.

۲. اصلاح سر ایشان و درویشان، هواهای ایشان و قرار داد مدح را بر ایشان و مهارت نیافتند در غور و اندیشه و مهرهای صحیح و بعد از وقتی که وارد شدیم بر آب، سیراب شدیم، سرعت ورزیدیم و شروع کردیم.

۳. گزارشات.

۴. رشته، رشته مروارید.

۵. اصطلاح نجومی و به معنی درجه بلندی و علو.

۶. اصل در هر سه نسخه: ماشطه، آرایش کننده.

۷. گمنام، بی نام و نشان.

۸. غم و اندوه.

۹. زندان.

۱۰. پرنده باز.

آورده. به قدری لایق با همسران موافق در تحصیل علوم ساعی و جاهد آمد و همه شب، عروس دانایی را به قدر توانایی از پرده عفت به سراخانه درایت و کیاست مَحَلّی و مزین می‌داشت و داماد فطانت^۱ و عقل را بر حجله فهم می‌نشاند و تمتعی تازه هر دم از بکور^۲ افکار و مسائل حاصل می‌آمد.

[مهاجرت به شیراز و اشتغال در دستگاه حسینعلی میرزا به سرکردگی میرزا زکی خان]

تا هنگامی که از آداب علوم، حظّی و از طرز خطاطی بهره‌ای^۳ به اندازه رخ نموده، می‌نوشتیم:

خطی خوش که عطار د^۴ چو بدید گفت: "لا حول و لا قوة الا بالله"

نه از دنیا غمی و نه از مکاره دوران آلمی، دین و دلی داشتیم و خاطر جمعی، پریشانی از من دور و پریشان بود هر روز به جایی و هر دم به هوایی نشست و خاست^۵ می‌کردم و در اطراف زمانه به نگاه چشم خوش نگران و از اقسام نوائب^۶ دوران کران^۷ سری پرشور و دلی مسرور. نه کسی^۸ را به من کاری و نه مرا با کس مجال انکاری:

اگر نفسی وقت بهارم هوس صحرا با حریفی دو که دایم نتوان تنها بود

بودم و اگر هم در کنج عزلت بودم بدون سعایت احدی آرامی می‌گرفتم، نه کسی گوید کزین جای برخیز رو، آنجا رو. خاطری خوش و طرزی دلکش

۱. زیرکی، دانایی.

۲. جمع بکر، تازه‌ها.

۳. تیر، نزدیک‌ترین سیارات به خورشید.

۴. اصل در هر سه نسخه: خواست.

۵. بدبختی، حوادث.

۶. برکنار.

۷. در دو نسخه مجلس: نکسی.

داشتم و به ترشیج^۱ زلال اقبال نهال افصال بیخ آور و سایه گستر می داشتم، ناگاه "سنتدرجهم من حیث لا یعلمون"^۲ عم بزرگوار نامدار و اخ اعز اجل کامکار محمد زکی خان و شکرالله خان^۳ در حضرت ابوت^۴ درخواست نمودند که فلان را حال از کار بیکار داشتن، چندی دیگر به مسمار^۵ انزجار نمی توان داخل امری نمود. تن که آسوده شد دیگر فرسودن در امور خالی از مشقت و نفوری^۶ نخواهد بود. لابد نه به الطوع^۷ و الرغبة طوق اطاعت در گردن نهاده بر کره هیون^۸ پیکری که در مدحش گفته اند:

زمانه سیری کامروزش ابرانگیزی به عالمی بردت کاندرو بود فردا^۹

سوار شده، منفرداً روانه شدم دست از جمعی که پریشان من بودند و من پریشان ایشان کوتاه، سبک عنان و سنگین رکاب فارس میدان فارس، توسن مراد را عنان به سمت قریه زرقان^{۱۰} معطوف داشتم. جمعی که به استقلال به استقبال قیام نموده بودند، بعد از ورود چون مجلس از غبار اغیار^{۱۱} عاری و هر بیگانه از آن متواری بود، همه متلبس به لباس استیناس^{۱۲} به تجرع^{۱۳} کاس^{۱۴} مشغول شدند و

۱. جریان.

۲. آیه ۱۸۱/سوره اعراف: به زودی در نوردهیم مرتبه ایشان را از آنجا که ندانند.

۳. محمد زکی خان نوری و شکرالله خان نوری برادر میرزا اسدالله خان نوری و عموی میرزا آقاخان نوری، نک به: تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۶۵۴.

۴.

۵. پدر.

۶. میخ.

۷. گریزنده و ترسیدن.

۸. فرمان بردن.

۹. شتر و اسب.

۱۰. از انوری.

۱۱. روستایی در ۳۵ کیلومتری و در شمال خاوری شیراز است و شمال آن به شهرستان آباده، جنوب آن به بخش اردکان، خاور آن به بخش نیریز و شهرستان فسا محدود می باشد.

۱۲. جمع غیر و به معنی دیگران.

۱۳. انس و الفت گرفتن.

۱۴. جرعه جرعه نوشیدن.

۱۵. جام و ظرفی که در آن شراب نوشند.

مجلس الأنس محفوف^۱ با کیاس^۲ و "مزیناً كالجنان الخلود باغضان الياقوت و المرجان"^۳ از قریه زرقان طی طریقہ را بہ واسطه بودن جمعی اقربا بہ طریقہ مستحسن پیموده، چون بہ شیراز رسیدم

خاک شیراز^۴ چو دیبای منقش دیدم و آن همه صورت زیبا کہ بر آن دیبا بود^۵ بعد از آنکہ از مکاره راه و زجرت سفر آسوده خاطر شدم، از ماحضر هر چه را طبع مایل بود و مہیا و مہناً دیدم. با جمعی از اقارب تا نزدیک بہ غروب آفتاب از مصاحبتشان کامیاب شدہ، روز دیگر ورود کہ آفتاب اخترسوز از سمت باختر طلوع نمودہ، از جانب مرحمت جوانب شہزادہ نامدار کامکار فرمانفرمای مملکت فارس بہ احضار این ذرۂ بی مقدار فرمان دادہ، شرف آستان بوسی حاصل آمد. مورد عواطف کاملہ و عنایات شہانہ آن حضرت فلک مرتبت گردیدہ، بہ انواع تشریفات مرا مشرف داشتند. چون عزم رخصت از حضور فیض گنجور مرحمت آمد، عم گرام طاب ثراہ و اخ نامدار "جعل الجنة مثواہ"^۶ در کار و شغلی لایق، مشاورہ پیش گرفتند [تا] قرار کار بہ استیفا و تحریر مفاصا^۷ دارند. شہزادہ اعظم کہ اگر نور رأیش بر آفتاب تابش دادی در پردہ کسوف محفوف می شد، وقتی خاص و شبی مخصوص این بندہ را طلب فرمودند و در مجلسی کہ آسمان از او رشک می برد و فردوس از رغم^۸ او در بدترین حال بود؛ مرا راہ دادند. چون چشم گشودم از بس

۱. پیچیدہ شدہ.

۲. دانایان.

۳. زینت دادیم همان طوری کہ بہشت جاودان را با شاخہ های یاقوت و مرجان.

۴. زمانیکہ فتحعلی شاہ بہ سلطنت رسید پسرش حسینعلی میرزا را بہ فرمانفرمایی فارس منصوب کرد، برادران میرزا اسداللہ خان نوری بہ نام های میرزا زکی خان و نصراللہ خان با ہشتاد نفر از تفنگچیان نوری بہ شیراز گسیل شدند کہ میرزا فضل اللہ جزو اینہا بود. نک بہ: فرهنگ رجال قاجار، ص ۲۰۴.

۵. از سعدی.

۶. گوارا.

۷. بہشت را قرارگاہ و منزل او قرار داد.

۸. در دستگاہ استیفای مملکت فارس مشغول شد.

۹. در ۱۰۲۶ مچ در زیر آن رشک آمدہ است.